«پریا» عاشقانه‌ای با یک زنگ‌خطر

با وجود این‌که درباره ویروس اچ‌آی‌وی و راه‌های ابتلا به آن بارها به طرق مختلف اطلاع‌رسانی شده است اما همچنان تماشای آثاری با این محوریت می‌تواند آگاهی‌بخش باشد. سریال «پریا» یکی از این آثار است که با به پایان رسیدن پخش سریال «زمانه» در شبکه آی‌فیلم ۲ از روز جمعه ۲۷ آبان جایگزین آن خواهد شد. سریال پریا به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده محصول سال ۱۳۹۵ است. قصه از زمان حال و از جایی آغاز می‌شود که پریا با بازی لادن مستوفی پس از چند سال دوری از ایران به کشور بازمی‌گردد. در شرایطی که پریا همچنان از ازدواج قدیمی‌اش سرخورده است، وارد رابطه‌ای عاطفی با کیوان، پسرخاله‌اش (امیرحسین آرمان) می‌شود. زوج تازه به امید آغاز زندگی جدید، مشکلات را یک به یک از سر راه برمی‌دارند اما برخی اتفاق‌ها مانند مبتلا شدن کیوان به ایدز، مشکل حضانت پریا و... زندگی این زوج را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

لادن مستوفی، امیرحسین آرمان، افسانه بایگان، اشکان هورسان، محمود پاک‌نیت، امیررضا دلاوری، کمند امیرسلیمانی، عمار تفتی، رامتین خداپناهی، محمدهادی قمیشی، علی‌اصغر رضایی، ساغر شکوری، احمد لشینی، مهری آل‌آقا و محمدرضا شیرخانلو بازیگران این سریال هستند. براساس این گزارش، سریال پریا به‌جز روزهای پنجشنبه هر شب ساعت ۱۹ به وقت تهران از شبکه آی‌فیلم ۲ پخش می‌شود.

رسانه ۹
MEDIA

یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱ شماره ۶۳۵۴

«آتش سرد» ملودرامی اجتماعی و انتقادی

مهدیه رضایی
گروه رسانه

شبکه دوی سیما از چندی پیش پخش مجموعه تلویزیونی «آتش سرد» را آغاز کرد که این مجموعه ۳۰ قسمتی روزپنجشنبه ۱۹ آبان به پایان رسید. کارگردان این سریال رضا ابوفاضلی بود که تا به امروز کارگردانی آثار نمایشی با محوریت خانواده را به‌عهده داشته است. این کارگردان معمولا دست روی موضوعات اجتماعی می‌گذارد و آن را به تصویر می‌کشد و با ساخت سریال تلویزیونی آتش سرد نه‌تنها دست روی موضوعات اجتماعی گذاشت، بلکه در این اثر یک موضوع قرآنی را دستمایه ساخت قرار داد.

او در مجموعه آتش سرد به مفهوم خوردن مال یتیم پرداخته که بارها در قرآن کریم درباره آن گفته شده است. او سعی کرد با ساخت یک مجموعه خانوادگی، شب‌های شبکه دو را گرم کند و خانواده‌ها همراه با هم پای تماشای این سریال بنشینند. گرچه ساخت سریال‌هایی با محتوا و مضامین اخلاقی و خانوادگی سخت است اما می‌توان گفت او نمره قبولی در این باره گرفته است، زیرا کار کردن روی چنین موضوعاتی مثل راه رفتن روی لبه پرتگاه می‌ماند و سازندگان آثار نمایشی باید بدانند چطور قصه را روایت کنند که هم گل درشت نباشد و هم این‌که مخاطب پس نزند.

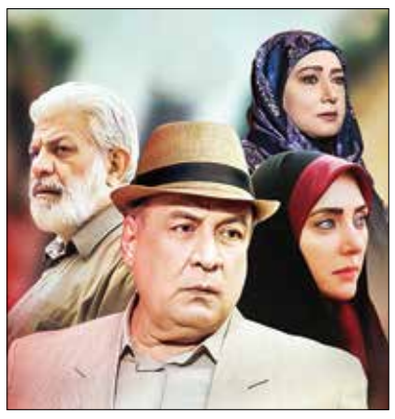

بنابراین باید با احتیاط قدم برداشت که این اتفاق در سریال تلویزیونی آتش سرد رخ داد. گرچه کاستی‌هایی هم در سریال دیده می‌شود اما می‌توان با چشم اغماض نگاه کرد، زیرا بهترین آثار نمایشی در دنیا هم کاستی‌هایی دارند و همیشه سازندگان آثار نمایشی سعی می‌کنند بهتر از کار قبلی‌شان عمل کنند تا بتوانند مخاطبان را راضی نگه دارند.

مجموعه تلویزیونی آتش سرد سعی بر آن داشت تا به مخاطبان تلنگری هم بزند و به آنها بگوید تا چه میزان باید مراقب یتیم‌هایی که در اطراف‌شان هستند، باشند و بدانند نباید مال آنها خورده شود، زیرا عقوبتی سخت در انتظارشان است. نشان دادن چنین آموزه اخلاقی و دینی از اهداف این سریال تلویزیونی بوده که مخاطبان بعد از تماشای اثر می‌توانند به فکر وا داشته شوند. کارگردان و تهیه‌کننده با همراهی هنرمندان سعی کردند یک اثر مخاطب‌پسند را ارائه کنند.

اگر بخواهیم نگاهی به بازی‌های این سریال تلویزیونی داشته باشیم، متوجه می‌شویم برخی بازیگران بازی‌های قابل قبولی دارند و مخاطبان آنها را در قالب چهره جدیدی دیده‌اند. گرچه برخی شخصیت‌ها هم در سریال آتش سرد هستند که چندان هنرمندانه نتوانسته‌اند از پس آن بربیایند و نقش‌ها را بسیار منفعل بازی کرده‌اند.

اما اگر بخواهیم کلیت سریال را تماشا کنیم باید گفت که سریال بازی‌های قابل‌قبول داشته و گروه سازندگان این سریال سعی کردند بدون این‌که از قصه‌ای پیچیده بهره ببرند با قصه‌پردازی ساده و قابل هضم تقابل میان خیروشر را نشان بدهند که در چارچوب مناسبت‌های خانوادگی چه اتفاقاتی رخ می‌دهد. می‌توان گفت سریال آتش سرد نمایشی از تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی‌های خانوادگی است و حتی در بخش‌هایی از سریال سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی گفته می‌شود که همین مخاطبان را پای سریال می‌نشاند.

...ه و هنرمندان سریال تلویزیونی «آتش سرد» شد

...عذاب بر کریمان

ریش‌ها بلند شود. البته من خودم همراه با تدوینگر برای هر صحنه حضور داشتم تا این موضوع هنگام پخش احساس نشود وگاف ندهیم.

شما این سریال را در مقطعی کار کردید که آمار فوتی‌های کرونا خیلی بالا بود. نگران این موضوع نبودید؟

ملک‌محمدی: یکی از آسیب‌های جدی که به پروژه خورد، کرونا بود. ماه اول و دوم فیلمبرداری سریال آتش سرد زمانی بود که روزی ۷۰۰ نفر به دلیل ابتلا به کرونا جانشان را از دست می‌دادند و همین کار را سخت می‌کرد. اما خدا را شاکریم که یک سریال آبرومند ساختیم. البته این مواردی که شما به آن اشاره کردید مخاطب عام متوجه نشده است و بیشتر مخاطبان حرفه‌ای‌تر متوجه شدند.

کرامتی: صحنه‌هایی که ما در بیمارستان ضبط می‌کردیم در اوج کرونا بود و همین کار ما را سخت می‌کرد، زیرا هر روز در همان بیمارستان مردم به دلیل ابتلا به کرونا فوت می‌شدند. ما در همان بیمارستان هم واکسن‌های‌مان را زدیم.

علی مهام، تهیه‌کننده: هر کاری سختی‌های خودش را دارد و ما برای ساخت سریال تلویزیونی آتش سرد با مشکلات مختلفی دست و پنجه نرم کردیم؛ از جمله کرونا، تعدد لوکیشن و تعدد بازیگران.

ابوفاضلی: من درباره فیلمنامه سریال آتش سرد باید نکته‌ای را بگویم و آن این که فیلمنامه سریال بارها بازنویسی شد. محسن سرتیپی و همسرش نازنین فرخ‌لو بارها کار را بازنویسی کردند. همچنین دکتر سالاری ناظر کیفی و آقای ملک‌محمدی مدیر گروه بارها فیلمنامه را خواندند و نکات لازم را به ما گفتند. همچنین با مشورت با مدیر گروه تصمیم گرفتیم آقایان نادر برهانی‌مرند و مهدی میرباقری را برای بازنویسی کار به گروه اضافه کنیم تا جان تازه‌ای به بازنویسی کار بدهند و فیلمنامه ارتقا پیدا کند. در مجموع حساسیت بسیاری در کار داشتیم تا از همان نقطه شروع فیلمنامه، قصه چفت و بست خوبی داشته باشد، حتی سکانس‌های آفیش هم در اختیار ناظر کیفی می‌گذاشتیم تا اگر نکته‌ای لازم بود به کار اضافه کند.

شخصیت پویا، «بدمن» قصه است و در ادامه مخاطب می‌بیند که او عاشق خانمی می‌شود و دیالوگ‌های عاشقانه به او می‌گوید. این پارادوکس نقش تا چه میزان برایتان جذابیت داشت؟

شاهد احمدلو، بازیگر نقش پویا: یکی از مهم‌ترین ویژگی نقش‌های ضد قهرمان، تضادهاست که در تقابل با شخصیت‌های مثبت و مقابل معنا پیدا می‌کند. من هم تضادهای شخصیت پویا را دوست داشتم و این نقش پتانسیل زیادی داشت و به من جای کار بیشتری می‌داد. همچنین درباره نقش خیلی با آقای ابوفاضلی صحبت کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این نقش را به این شکل که می‌بینید اجرا کنم. من نقش‌های مثبت را در تلویزیون دوست ندارم و هیچ وقت نقش مثبت قبول نمی‌کنم، زیرا جای کار ندارد و نمی‌توان فراتر از کلیشه‌های رایج ایفا کرد اما نقش‌های منفی فرق می‌کند و فرصتی به بازیگر می‌دهد تا نقش را آن طور که می‌خواهد دربیاورد.

یکی از تضادهای شخصیتی پویا، شعرها و جملات عاشقانه‌ای است که می‌گوید؛ این موضوع یعنی حرکت روی لبه پرتگاه. نگران این موضوع نبودید؟

احمدلو: نه، اصلا نگران نبودم. با توجه به این که کارگردان فضای خوبی در اختیارم گذاشته بود و شناخت خوبی که از مخاطب دارم این نقش را بازی کردم. برای ایفای نقش سری هم به دنیای مجازی زدم که دلنوشته‌ها، پیام‌های کوتاه تاثیرگذار و پیام‌های گرافیکی که با محوریت امیدبخشی، انگیزش‌بخشی و عاشقانه هستند تا چه میزان مورد توجه است، به همین دلیل از این پیام‌ها برای صحنه‌های عاشقانه پویا استفاده کردم. موضوعی که شما اشاره کردید به شیوه اجرا برمی‌گردد. وقتی اجرا درست باشد مخاطب پس نمی‌زند و من هم آرام‌آرام نقش را از آن خودم کردم. در مجموع پویا، شخصیتی دوست‌داشتنی است که من ارتباط خوبی با آن برقرار کردم.

کرامتی: نکته جالب این است که همین دیالوگ‌های بانمک که شما به آن اشاره کردید برای خود شاهد احمدلو است و سر صحنه می‌گفت.

ابوفاضلی: صفر تا صد نقش‌ها مشخص بود و همه بازیگران با ایده سر صحنه می‌آمدند و با هم درباره پیشنهادهای‌شان صحبت می‌کردیم. البته قبل از آن که با شاهد احمدلو کار کنم، احساس می‌کردم کارکردن با او سخت باشد، چون خودش کارگردان است و کارکردن با کارگردان سخت است اما وقتی احمدلو به ما ملحق شد زودتر از همه ارتباط برقرار کرد و من از کارکردن با او لذت بردم و دوست داشتم. من همیشه با بازیگرانم ارتباط خوبی در کار دارم و در این کار هم رفاقت میان عوامل و هنرمندان جلو و پشت دوربین وجود داشت و همه به دنبال انرژی خوب به هم بودند تا کار را به بهترین شکل جلو ببرند. به یاد دارم در صحنه کارگاه، پویا یک صفحه و نیم دیالوگ داشت اما بعد از دکوپاژ به شاهد گفتم که برای این صحنه نمی‌خواهم دیالوگ بگویی، بلکه با سر به صورت طرف بزنی و شاهد هم به بهترین شکل این صحنه را اجرا کرد. یکی از ویژگی‌های شاهد در کار این است که به طول نقش فکر نمی‌کند، بلکه سعی می‌کند نقشش را درست ایفا کند. همچنین عبدالرضا اکبری و دیگر بازیگران نقش‌های‌شان را خوب بازی کردند.

یکی از ویژگی‌های سریال این است که برای همه نقش‌ها حتی نقش‌های کوچک هم بازیگران حرفه‌ای انتخاب شدند. مثل نقش طهماسب که مرتضی ضرابی را انتخاب کردید. این کار شما را سخت‌تر نمی‌کرد؟

ابوفاضلی: بله سخت‌تر می‌کرد اما برای هر نقش ما چند گزینه داشتیم و بعد همراه با تهیه‌کننده به انتخاب می‌رسیدیم. البته از مشورت مدیر گروه فیلم و سریال هم استفاده می‌کردیم. در مجموع یک گروه صمیمی برای کار بودیم که همه دست به دست دادند تا یک اثر پویا را تهیه کنیم.

کرامتی: یکی از ویژگی این سریال این بود که از بازیگران چهره استفاده شد اما همه حرفه‌ای بودند و به قول معروف هیچ کس نمی‌خواست جای فرد دیگری را بگیرد و به قول معروف کسی دوربین دزدی نمی‌کرد.

ابوفاضلی: همیشه با بازیگرانم ارتباط خوبی در کار دارم و در این کار هم رفاقت میان عوامل و هنرمندان بود

نکته‌ای که در سریال آتش سرد دیده می‌شود این است که اعضای خانواده سعید با هم گرم هستند. یعنی گرما و پویایی در خانواده سعید که شخصیت منفی قصه است بیشتر از خانواده محسن بوده که شخصیت مثبت است. دلیل این موضوع چیست؟

ملک‌محمدی: روزی که می‌خواستیم کار را بسازیم نقش خانواده برای ما مهم بود و همه در پشت صحنه مثل خانواده بودیم. دلیل این موضوع این است که چند بازیگر در خانواده سعید بازی‌های خوبی انجام دادند و مخاطب شاهد این گرما و پویایی بود. از سوی دیگر آنها نقش‌ها را گرفته بودند. شاید در هدفگذاری اولیه ما این موضوع نبود اما در اجرا این موضوع درآمد. شما اگر نگاهی به سریال‌های ترکیه‌ای، کره‌ای، آمریکایی و... داشته باشید متوجه خواهید شد که در کارهای‌شان خانواده سر جای خودش قرار دارد.

امینی: به نظرم این ایراد به نویسندگی کار وارد است که با وجود این که چند بار بازنویسی شد اما مشکلاتی داشت که هنگام فیلمبرداری هم به رضا ابوفاضلی گفتم. در خانواده محسن ما می‌بینیم که اعضای خانواده تک به تک با هم در ارتباط هستند. مثلا پدر با علیرضا، علیرضا با امیر و... هیچ وقت اعضای خانواده محسن را با هم نمی‌بینیم، در حالی که خانواده محسن ریشه‌دار و مذهبی هستند اما ارتباط آنها محدود است اما برعکس ارتباط میان آذر و آزاد گرم‌تر است و پیگیر مشکلات یکدیگر هستند. به نظرم این موضوع باعث شد که ما آن روابط گرم را در خانواده محسن شاهد نباشیم.

کرامتی: من باید به نکته‌ای اشاره کنم و این که آقای ملک‌محمدی یکی از مدیرانی است که وقتی در پرداختی‌ها تاخیر پیش می‌آمد از همه گروه عذرخواهی می‌کرد و تشکر برای این‌که همه همدلانه سر کار هستند.

ابوفاضلی: آقای ملک‌محمدی از آن مدیرانی است که همیشه وقتی آفیش کار انجام می‌شد، اول از همه سر صحنه بوده و همیشه حواس‌اش به همه اتفاقات بود.

گاهی پیش آمده برخی بازیگران همزمان در چند کار بازی می‌کنند و مخاطبان در هر شبکه آنها را همزمان می‌بینند و حتی برخی مواقع نقش‌ها هم شباهت‌های زیادی دارد. چرا شاهد چنین اتفاقی هستیم؟

امینی: من ۲۵ سال است که بازیگر هستم. هیچ زمان پیش نیامده که همزمان در دو اثر بازی کنم. برایم مهم است کار تمام شود و بعد به پیشنهاد بعدی فکر کنم.

احمدلو: معتقدم هنرمند هیچ وقت این کار را انجام نمی‌دهد. کسی که با عشق و عاطفه کار انجام می‌دهد امکان ندارد چنین کاری انجام دهد.

کرامتی: به نظرم این اتفاق کمتر در رده سنی جوان رخ می‌دهد و بیشتر برای پیشکسوتان است زیرا فکر می‌کنند زمان‌شان تمام می‌شود و بهتر است تامین مالی شوند. البته در این باره باید مدیران و تهیه‌کنندگان مراقب باشند چنین اتفاقاتی رخ ندهد و سراغ بازیگری نروند که همزمان سر پروژه دیگری است.

ملک‌محمدی: شاهد احمدلو از جمله بازیگرانی است که از کودکی وارد این عرصه شد. من هنوز سکانس او را در فیلم سرب به یاد دارم. او هنرمندی است که همیشه بدون ادعا کارش را انجام می‌دهد. به نظرم این حرفه به عشق نیاز دارد، زیرا هنرمند ممکن است در گرما، سرما و در شرایط سخت کار کند. بنابراین کسانی که با عشق آمده‌اند هیچ وقت این کار را انجام نمی‌دهند. در مجموع همه کسانی که در سریال آتش سرد حضور داشتند باخانواده و نجیب بودند. ما سعی کردیم یک کار خانوادگی بسازیم و همه در کار حالشان خوب باشد.

ابوفاضلی: همه خانواده بودیم. به یاد دارم سر بازی، پدر پویا امینی در بیمارستان بستری بود و بعد از مدتی هم فوت شد اما پویا همیشه سر کارش حاضر بود و با رفاقت همه کار را جلو بردند.

مهام: من و ابوفاضلی شناخت زیادی از هم داشتیم و برایمان یکسری خط قرمزها وجود داشت و این که بازی بازیگر، انسانیت و اخلاق هنرمند برایمان مهم بود. ما برای خانه محسن چند کامیون اسباب و اثاثیه بردیم. در مجموع برای این کار ۱۳۳ لوکیشن و ۷۵ بازیگر داشتیم. ضمن این که تعداد لوکیشن‌های تک هم زیاد بود. از سوی دیگر با وجود اوج کرونا کار را یک روز هم تعطیل نکردیم. همچنین برای کوچک‌ترین نقش‌ها هم بازیگر چهره دعوت کردیم.

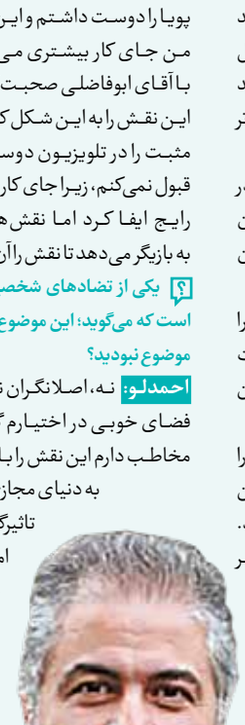

درنگ

قصه‌ای درباره آموزه‌های دینی

بهرنگ ملک‌محمدی در پاسخ به این سوال که یکی از مباحث مهمی که سریال آتش سرد به آن پرداخت بحث توجه به مال یتیم است و در لایه‌های مختلف سریال به این موضوع تاکید زیادی دارید. دلیل این تاکید چیست، می‌گوید: دقیقا یکی از نکات مهمی که ما در این سریال به آن تاکید داشتیم توجه به مال یتیم است. در قرآن بارها به این موضوع تاکید شده و خداوند می‌گوید اگر کسی مال یتیم را بخورد یا ربا بخورد به جنگ با من برخاسته است. یتیم صرفا یک بچه نیست. ممکن است یک فرد ۴۰ ساله باشد. بدون تردید کسی مال یتیم را بخورد تقاص آن را خواهد داد. ما در قصه سریال به این آموزه‌های دینی پرداخته‌ایم. مخاطب در داستان می‌بیند که محسن حاضر است تبعات پس بدهد اما حق یتیم را پایمال نکند. ما کمتر در سریال‌هایمان به این موضوع پرداخته‌ایم. در روزهای اوج کرونا خیلی از مردم فوت شده و خیلی از بچه‌ها تک‌والد شدند. باید به حق این بچه‌ها توجه شود. مجموعه تلویزیونی آتش سرد به این موضوع توجه کرده و آن را محور اصلی داستان قرار داده است. همچنین در پایان قصه می‌بینیم که پویا رستگار می‌شود. در مجموع، ساختن کار قرآنی سخت است و ما محدودیت‌هایی داریم. در مجموع سریال آتش سرد یک اثر پاک و آبرومند است.

محوریت «آتش سرد» خانواده است

عبدالرضا اکبری، بازیگر سریال‌های تولدی دیگر، پهلوانان نمی‌میرند، آنام، بچه مهندس ۴، فاخته، شوق پرواز، عملیات ۱۲۵، خون‌بها، دلنوازان و... از پخش سریال «آتش سرد» سخن گفت که به تازگی در آن ایفای نقش کرده است. این سریال که به کارگردانی رضا ابوفاضلی ساخته شد روی آنتن شبکه دو سیما رفت. اکبری در این سریال نقش سعید را دارد که شخصیتی ضدقهرمان است و دردسرهایی را برای سایر آدم‌های قصه به وجود می‌آورد. او در گفت‌وگویی درباره محتوای سریال آتش سرد، توضیح داد: این سریال پر از داستان‌ها و پرسوناژهاست و البته محوریت آن خانواده است. این بازیگر که به گفته خودش از دهه ۱۳۶۰ کارش را در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی آغاز کرده، با اشاره به اهمیت توجه به کارهای نمایشی با موضوع خانواده، گفت: موضوع خانواده ریشه در اسطوره‌ها و پیشینه ما دارد و از اهمیتی دوچندان برخوردار است. با مروری بر داستان‌های کهن ایرانی می‌بینید که پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها و پدرومادر محور و کانون خانواده بوده و فرزندان در کنار آنها قرار می‌گرفتند.

حضور برادران در «آتش سرد»

وقتی از مخاطبان درباره پرهام امینی پرسیده شود شاید کمتر کسی بداند که او برادر پویا امینی است؛ بازیگری که بیش از ۲۰ سال است در عرصه بازیگری فعال بوده و تا به امروز نقش‌های متعددی هم بازی کرده است. این هنرمند در سریال آتش سرد با برادرش همبازی شد و نکته جالب این بود که هر دو در این سریال نقش برادر هم را بازی می‌کردند که نام‌هایشان در سریال امیر و علیرضا بود.

می‌توان گفت که آنها همان نقش‌هایی را که در زندگی واقعی داشتند جلوی دوربین هم همان نقش‌ها را به عهده داشتند. پرهام امینی بر خلاف برادرش در این عرصه تازه‌کار است و کمتر تجربه بازی داشته اما در این سریال پا به پای برادرش نقشش را درست ایفا کرد. او در این سریال نقش علیرضا را به عهده داشت که زندگی‌اش به واسطه اتفاقی دستخوش ماجراهایی می‌شود و در نهایت خودش را به پلیس تسلیم می‌کند و بعد از مدتی از زندان درمی‌آید. پرهام امینی در آثاری همچون کلانتر، بزرگ‌مرد کوچک، پارتی و... ایفای نقش کرده است. بازی او در این سریال نشان می‌دهد که هنرمند آینده‌داری است.

سریالی با محوریت آموزه‌های دینی

سنگ بنای اولیه همه آثار نمایشی در مرحله اول، فیلمنامه است و وقتی این سنگ بنا درست گذاشته شود بدون تردید کار به شکل مطلوب جلو می‌رود. فیلمنامه سریال تلویزیونی «آتش سرد» هم چند بار بازنویسی شد تا یک اثر قابل‌قبول برای مخاطبان تهیه شود. از سوی دیگر این سریال بر مبنای آموزه‌های دینی تهیه شد، به همین دلیل این موضوع کار گروه را سخت‌تر می‌کرد که با حساسیت بیشتری آن را انجام بدهند تا با کمترین ایراد تولید و روانه آنتن شود.

کیوآرکد را اسکن کنید